

## آیا گریبان چاک زدن بانوان حرم در عزای امام حسین علیه السلام صحت دارد؟

سؤال کننده : مهدي احمدي

### توضیح سؤال :

در تمامی کتب آمده که حضرت زینب و زن های دیگر موجود در حرم امام حسین (علیه السلام) همه هنگام دیدن بدن بی سر امام گریبان چاک کردند و مو آشفته نمودند آیا گریبان چاک دادن شایسته حریم حسینی می باشد ؟

### پاسخ :

اولا : اینکه گفته اید : « در تمامی کتب آمده که حضرت زینب و زنهای دیگر موجود در حرم امام حسین (علیه السلام) همه هنگام دیدن بدن بی سر امام گریبان چاک کردند و مو آشفته نمودند » ، در این رابطه باید بگوئیم : در کتابها به این صورت که شما گفتید ، روایتی نیامده و یا حداقل ما نیافتیم ؛ و در روایاتی هم که در این زمینه نقل شده ، اشاره ای به آشفته نمودن مو نشده است :

### روایت اول ( در مجلس یزید ) :

ثم وضع رأس الحسين ع بين يديه و اجلس النساء خلفه لئلا ينظرون إليه فرآه علي بن الحسين ع فلم يأكل الرءوس بعد ذلك أبدا و أما زينب فإنها لما رآته فأهوت إلي جيبها فشقت ، ثم نادت بصوت حزين يفرع القلوب ، يا حسينا ! يا حبيب رسول الله ! يا بن مكة ومني ! يا بن فاطمة الزهراء سيدة النساء ! يا بن محمد المصطفى . قال : فأبكت والله كل من كان ، ويزيد عليه لعائن الله ساكت ... ثم دعا يزيد عليه اللعنة بقضيب خيزران فجعل ينكت به ثنايا الحسين عليه السلام و جعل يزيد يتمثل بأبيات ابن الزبيري :

ليت أشياخي ببدر شهدوا \* جزع الخرج من وقع الأسل  
لأهلوا واستهلوا فرحا \* ولقالوا يا يزيد لا تشل  
قد قتلنا القوم من ساداتهم \* و عدلناه ببدر فاعتدل  
لعبت هاشم بالملك فلا \* خبر جاء ولا وحي نزل  
لست من خندق إن لم أنتقم \* من بني أحمد ما كان فعل  
اللهوف - سيد بن طاووس - ص 178 و 179 و 180 .

... یزید، سر مبارک امام علیه السلام را در پیش رو گذاشت و زنان را در پشت سر خود جای داد تا چشم ایشان به سر مطهر امام حسین علیه السلام نیفتد اما سیدالساجدین علیه السلام چشمش بر آن سر نازنین افتاد و بعد از آن صحنه دلخراش ، دیگر تا آخر عمرش گوشت سر حلال گوشتی تناول نفرمود .  
وقتی زینب علیها السلام سر مبارک برادر خود را دید از شدت ناراحتی دست در گریبان برد و آن را پاره سپس به آواز غمناک فریاد و احسیناه .... برآورد به قسمی که ناله اش دلها را خراشید .  
راوی می گوید: به خدا سوگند همه آن کسانی که در مجلس یزید حضور داشتند از ناله جانسوز او به گریه و افغان افتادند و در آن حال خود آن پلید لب از گفتار فرو بست و ساکت بود ... سپس یزید لعین چوب خیزران طلب کرد ( همین که چوب را به او دادند ) مکرر به دندان مبارک فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله می زد . و می گفت :

بني هاشم (هوای سلطنت داشتند) و با مُلك و سلطنت بازي كردند ( و اسلام را بهانه كردند ) ؛ و در حقيقت هيچ خبر آسماني نيامده بود و هيچ وحی هم نازل نشده بود (مراد آن كافر از بني هاشم جسارت نسبت به پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله است)

اي كاش بزرگان قوم من كه در جنگ بدر كشته شدند در اينجا حاضر بودند و مشاهده مي كردند كه چگونه طائفه خزرج كه ياور رسول الله بودند، از شمشيرهاي ما به جزع و افغان آمده اند،

تا از ديدن اين صحنه ، صداها به شادي بلند مي كردند و صورتهايشان از شدت سرور و خرسندي ، درخشنده مي شد و مي گفتند: اي يزيد دستت شل مباد، ما بزرگان خزرج را در جنگ احد كشتيم و اين معامله را با معامله بدر برابر داشتيم و جنگ بدر بر جنگ احد زيادتي ننمود.

از نسل خندف نباشم اگر از اولاد احمد مختار انتقام خون كشتگان بدر را نمي گرفتم  
در اين روايت فقط داستان گريبان چاك دادن آمده است و بس.

## روايت دوم

عن خالد بن سدير أخي حنان بن سدير قال سئلت ابا عبد الله عليه السلام ... ولا شئ في اللطم علي الخدود سوي الاستغفار والتوبة ، وقد شققن الجيوب ولطمن الخدود الفاطميات علي الحسين بن علي عليهما السلام .

تهذيب الأحكام ج8 ، ص 325 ، باب الكفارات .

خالد بن سديرمي گويد : از امام صادق عليه السلام ( در مورد مردی كه در مرگ پدر ، مادر ، برادر ، و يا يكي از نزديكانش لباس خود را پاره كند ( گريبان چاك بزند ) ) پرسيدم ، حضرت فرمود : كسي كه (در مصيبت نزديكان خود) به صورت خود بزند كفاره بر عهده او نيست فقط بايد ( بخاطر اين كارش ) توبه كند ، همانا بانوان حرم ( حسيني در كربلا ) در مصيبت حسين بن علي عليهما السلام گريبان چاك زدند و به صورت مي زدند .

دو نکته در دو حديثي كه گذشت شايسته دقت است :

نكته اول : در روايت دوم، امام عليه السلام، گريبان چاك زدن را بدون كوچكترين اشكالي به بانوان حرم نسبت داد و عمل بانوان حرم را نكوهش نكرد . پس معلوم مي شود اين عمل با شأن و منزلت حرم حسيني هيچ منافاتي ندارد .

نكته دوّم : در هيچ يك از اين دو روايت در مورد اينكه بانوان حرم در مصيبت حضرت سيدالشهداء عليه السلام موهاي خود را پريشان نمودند ، چيزي نيامده بود .

و اما در مورد قسمت دوم سؤال شما كه گفتيد : (آيا گريبان چاك دادن شايسته حريم حسيني مي باشد؟) نكته هاي را خدمت تان عرض مي كنيم :

## شهادت امام حسين عليه السلام بزرگترين مصيبت :

اولا : بايد توجه كنيم، مصيبتی كه در كربلا اتفاق افتاد مصيبتی ساده و معمولی نبود و فردي كه به شهادت رسيد انساني عادي و معمولی نبوده است، بلكه مصيبت و گريه ها بر غم از دست دادن و شهادت حجت خدا و سيد جوانان بهشت بود.

امام رضا عليه السلام در اين باره مي فرمايد :

... قال الرضا عليه السلام ... ان يوم قتل الحسين اقرح جفوننا واسبل دموعنا ، واذل عزيزنا ، أرض كربلا أورثتنا الكرب والبلاء إلي يوم الانقضاء فعلي مثل الحسين فليبك الباكون ، فان البكاء عليه يحط الذنوب العظام ثم قال " عليه السلام " كان أبي " عليه السلام " إذا دخل شهر المحرم لا يري ضاحكا ، وكانت الكتابة تغلب عليه حتي تمضي منه عشرة أيام فإذا كان يوم

العاشر كان ذلك اليوم يوم مصيبتة و حزنه و بكائه و يقول هو اليوم الذي قتل فيه الحسين عليه السلام

الأمالي - شيخ صدوق - ص ١٩٠ و ١٩١ ، باب حديث الرضا عن يوم عاشوراء ، ح ١٩٩ / ٢ ؛ روضة الواعظين - فتال نيشابوري - ج ١ ، ص ٢١٠ ؛ المأتم الحسيني - علامه سيد عبدالحسين شرف الدين الموسوي - ج ٤ ، ص ١٠ و ١١ .

روز شهادت حسين ( عليه السلام ) پلك هاي ما را مجروح كرد و اشكهاي ما را سرازير نمود، عزيز ما را ( به ظاهر و در نظر مردم ) خوار نمود . زمين گريلا تا روز قيامت براي ما سختي و بلا را به ارث گذاشت . پس گريه كننده گان براي شخصيتي همانند حسين ، بايد اشك بريزند ، زيرا كه گريه براي حسين گناهان بزرگ را از بين مي برد . سپس فرمود : چون ماه محرم فرا مي رسيد ، هيچ كس پدرم موسي بن جعفر را خندان نمي ديد، تا ده روز از اين ماه حزن و اندوه بر او غلبه مي كرد ؛ و وقتي كه روز دهم فرا مي رسيد ، آن روز ، روز مصيبت و غم و اندوه و گريه پدرم بود ، مي فرمود : امروز روزي است كه حسين عليه السلام يه شهادت رسيده است .

## گريبان چاك زدن اختصاص به حريم حسيني ندارد

ثانيا : گريبان چاك زدن اختصاص به حريم حسيني ندارد بلكه طبق روايات، حضرت موسي عليه السلام براي حضرت هارون عليه السلام ، و زنان انصار (به محض شنيدن خبر (شايعه) شهادت پيامبر اكرم در جنگ احد ) براي پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله ، و امام حسن عسكري عليه السلام در وفات برادر بزرگوار و در شهادت پدرش امام هادي عليه السلام گريبانش را چاك داد .

## گريبان چاك زدن حضرت موسي در وفات حضرت هارون عليهما السلام

... عن الصادق عليه السلام وسأله عن شق الرجل ثوبه علي أبيه و أمه وأخيه أو علي قريب له فقال : لا بأس بشق الجيوب قد شق موسي بن عمران علي أخيه هارون .

بحار الأنوار ج ٧٩ ، ص ١٠٦ ، باب : في لطم الخدود و شق الجيوب و الثياب و النياحة .

خالد بن سدبرمي گوید : از امام صادق عليه السلام ( در مورد مردی كه در مرگ پدر ، مادر ، برادر ، و يا يكي از نزديكانش لباس خود را پاره كند ( گريبان چاك بزند ) ) پرسيدم ، حضرت فرمود : گريبان چاك زدن اشكالي ندارد ، همانا موسي بن عمران در وفات برادرش هارون گريبان چاك زد .

## زنان انصار و گريبان چاك زدن براي پيامبر اكرم :

... نساء الأنصار قد خدشن الوجوه ونشرن الشعور وجززن النواصي وخرقن الجيوب وحرمن البطون علي النبي ( صلي الله عليه وآله ) فلما رأيته قال لهن خيرا وأمرهن أن يستترن ويدخلن منازلهن ...

الكافي ج ٨ ، ص ٢٢٢ ، باب غزوة أحد و قصة المنهزمين ، ح ٥٠٢ .

زنان انصار ( به محض شنيدن خبر ( شايعه ) شهادت پيامبر اكرم صلي الله عليه وآله در جنگ احد ) صورت هاي خود را خراشيدند و موهاي خود را پريشان نمودند و موهاي جلوي سر خود را كندند و گريبانها چاك زدند و غذا خوردن را بر خود حرام كردند . و زماني كه پيامبر راديدند ، حضرت دعاي خير براي آنان كرد و آنها را امر نمود كه خود را بپوشانند و به منزلهاي خود بروند ...

همانطور كه مي بينيد پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله و سلم وقتي با زنان مواجه شد براي آنان دعاي خير فرمود .

**امام حسن عسكري در وفات برادر بزرگوارش محمد بن علي الهادي عليهم السلام گريبانش را پاره كرد :**

محمد بن يحيى وغيره ، عن سعد بن عبد الله ، عن جماعة من بني هاشم منهم الحسن ابن الحسن الأفظس أنهم حضروا - يوم توفي محمد بن علي بن محمد - باب أبي الحسن يعزونه وقد بسط له في صحن داره والنساء جلوس حوله ، فقالوا : قدرنا أن يكون حوله من آل أبي طالب وبني هاشم وقريش مائة وخمسون رجلا سوي مواليه وسائر الناس إذ نظر إلي الحسن بن علي قد جاء مشقوق الجيب ، حتي قام عن يمينه ونحن لا نعرفه ، فنظر إليه أبو الحسن عليه السلام بعد ساعة فقال : يا بني أحدث لله عز وجل شكرا ، فقد أحدث فيك أمرا ، فبكي الفتي وحمد الله واسترجع ، وقال : الحمد لله رب العالمين وأنا أسأل الله تمام نعمه لنا فيك وأنا لله وأنا إليه راجعون ، فسالنا عنه ، فقيل : هذا الحسن ابنه ، وقدرنا له في ذلك الوقت عشرين سنة أو أرجح ، فيومئذ عرفناه وعلمنا أنه قد أشار إليه بالإمامة وأقامه مقامه .

الكافي ج ١ ، ص ٣٢٦ و ٣٢٧ ، حضرت ٨ ، باب : الإشارة والنص علي أبي محمد عليه السلام ؛ وسائل الشيعة ج ٣ ، ص ٢٧٣ و ٢٧٤ ، حديث ٣٦٣٢ ، أبواب الدفن وما يناسبه ، باب ٨٤ : باب كراهة الصياح علي الميت وشق الثوب علي غير الأب والأخ والقربة ، وكفارة ذلك ، حديث ٣ در اين باب ؛ جامع الأحاديث الشيعة ج ٣ ، ص ٤٩١ و ٤٩٢ ، حديث ٤٨٢٣ ، أبواب التعزية والتسلية والبكاء علي ميت وصبر المصاب ، باب ( ٨ ) حكم الصياح والصراخ بالويل والعويل الثبور والدعاء بالنذل والثكل والنوح ولطم الوجه والصدر وتصفيق اليد علي اليد وجز الشعر ونشره وإقامة النياحة وشق الثياب ، حديث ٣٩ در اين باب .

حسن بن حسن افضس مي گوید : روزي كه محمد بن علي بن محمد وفات يافته بود با عده اي از بني هاشم براي عرض تسليت به محضر امام هادي عليه السلام شرفياب شديم ، در حياط خانه براي حضرت فرشي انداخته بودند و بانوان حرم اطراف ايشان نشسته بودند ، افرادي كه با من بودند گفتند : به نظر ما به غير از خادمين حضرت و بقيه مردم ، حدود ١٥٠ نفر از مردان آل ابي طالب و بني هاشم و قريش اطراف امام عليه السلام جمع شده اند . در اين هنگام امام هادي عليه السلام حسن بن علي عليه السلام نگاه كرد كه با گريبان چاك زده وارد مجلس شد و در طرف راست امام عليه السلام ايستاد ، ما ايشان را شناختيم ، بعد از ساعتی حضرت ابوالحسن امام هادي عليه السلام به ايشان نگاه كرد و فرمود : اي فرزندانم خداوند را سپاس گو ، همانا امر امامت را در تو قرار داده است ، جوان (حسن بن علي عليه السلام) گريه كرد و خدا را سپاس گفت و كلمه استرجاع (انا لله وانا إليه راجعون) را بر زبان جاري نمود . و فرمود : ستايش خدايي را كه پروردگار جهانيان است . من از خدا مي خواهم كه تمام نعمت ما را در بقاء حيات شما قرار دهد (خداوند عمر شما را طولاني فرمايد) و ما از آن خدا هستيم ، و به سوي او باز مي گرديم . حسن بن حسن افضس مي گوید : ما پرسيديم اين جوان كيست ؟ گفته شد : ايشان حسن فرزند امام هادي است . سن حسن بن علي عليه السلام در آن زمان حدود ٢٠ سال و يا بيشتر بود ، و در همان مجلس بود كه ما حسن بن علي عليه السلام را شناختيم و دانستيم كه امام هادي عليه السلام با آن كلامش (فقد أحدث فيك أمرا = همانا خداوند امر امامت را در تو قرار داده است) به امامت ايشان اشاره فرمود و حسن بن علي عليه السلام را به جانشيني خود برگزيد .

## گريبان چاك زدن امام حسن عسكري در شهادت امام هادي عليهم السلام

كشوف الغمة (نقلا من كتاب الدلائل) لعبد الله بن جعفر الحميري ، عن أبي هاشم الجعفري قال خرج أبو محمد عليه السلام في جنازة أبي الحسن عليه السلام وقميصه مشقوق فكتب اليه أبو عون من رأيت أو بلغك من الأئمة شق ثوبه في مثل هذا فكتب اليه أبو محمد عليه السلام يا أحق ما يدريك ما هذا قد شق موسى علي هارون أخيه .

وسائل الشيعة ج ٣ ، ص ٢٧٤ ، حديث ٣٦٣٤ ، أبواب الدفن وما يناسبه ، باب ٨٤ : باب كراهة الصياح علي الميت وشق الثوب علي غير الأب والأخ والقربة ، وكفارة ذلك ، حديث ٥ در اين باب ؛ جامع الأحاديث الشيعة ج ٣ ، ص ٤٩٠ ، حديث ٤٨٢٠ ، أبواب التعزية والتسلية والبكاء علي ميت وصبر المصاب ، باب ( ٨ ) حكم الصياح والصراخ بالويل والعويل الثبور والدعاء بالنذل والثكل والنوح ولطم الوجه والصدر وتصفيق اليد علي اليد وجز الشعر ونشره وإقامة النياحة وشق الثياب ، حديث ٣٦ در اين باب .

ابو هاشم جعفري مي گويد : در تشييع جنازه امام هادي عليه السلام ، امام حسن عسكري عليه السلام در حالي كه گريبان چاك زده بود بيرون آمد ، ابوعون به در نامه اي حضرت نوشت چه كسي را ديده اي و يا از كدامين امام به تو رسیده كه گريبان لباسش را در چنين مصيبتی چاك بزند ؟ امام حسن عسكري عليه السلام در جواب او نوشت : اي احمق تو چه مي داني اين كار چیست ؟ ( و من در مصيبت چه كسي گريبان چاك زده ام ) حضرت موسي نيز در وفات برادرش هارون عليها السلام گريبان چاك زد .

## گريبان چاك زدن در مرگ يزید بن عمر بن هبیره در سال 182 (آخرين حاكم اموي در عراق) :

وقتي ابن هبیره در شهر واسط به دست عباسيان كشته شد ، ابو عطاء سندی اين اشعار را در رثاء او سرود :

ألا إن عينا لم تجد يوم واسط \* عليك بجاري دمعها لجمود

عشية قام النائحات وشققت \* جيوب بأيدي مأتهم وخذود . . .

الطبري، أبي جعفر محمد بن جرير (متوفي 310) ، تاريخ الطبري ج 4 ، ص 364 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت . ؛ ابن عساکر ، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي (متوفي 571) ، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل ج 65 ، ص 334 ، ترجمه : يزید بن

عمر بن هبیره ، رقم : 8328 ، تحقيق : محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري ، ناشر : دار الفكر - بيروت - 1995 .

همانا چشمي كه روز كشته شدند در شهر واسط براي تو اشكش جاري نشود ، خشك باد

در شب گذشته زنان نوحه خوان در عزاي تو نوحه سر دادند و دستان مصيبت زده در مصيبت از دست دادن تو گريبانها چاك زدند و گونه ها خراشيدند ( يا در مصيبت تو زنان عزادار گريبانها چاك زدند و گونه ها خراشيدند ) .

## گريبان چاك زدن در مرگ نووي ( يكي از علمای پرآوازه اهل سنت ) :

در مرگ نووي اشعار زيادي سروده شده كه در يكي از آن اشعار چنين آمده است :

خطب رفع من شق الجيوب له ... فقد شققت جناني دون قمصان

علاء الدين علي بن إبراهيم بن العطار (المتوفي 724هـ) ، تحفة الطالبين في ترجمة الإمام النووي ، ج 1 ، ص 20 .

( نووي ) بلند مرتبه است آنكه در مرگ او گريبانها چاك داده شود . . . من در مرگ او نه تنها گريبان بلکه قلبم را نيز چاك زدم .

## فتاواي علما

ثالثا : بسياري از علما با استناد به اين روايات به جواز گريبان چاك زدن در مرگ پدر يا برادر، فتوا داده اند . به اين عبارات توجه كنيد :

شهيد اول رحمة الله عليه مي فرمايد :

واستثني الأصحاب إلا ابن إدريس شق الثوب علي موت الأب والأخ لفعل العسكري علي الهادي ، وفعل الفاطميات علي الحسين ( عليه السلام ) ... عن خالد بن سدير ، عن الصادق ( عليه السلام ) ، وسأله عن شق الرجل ثوبه علي أبيه وأمه وأخيه ، أو علي قريب له ؟ فقال : لا بأس بشق الجيوب ، قد شق موسي بن عمران علي أخيه هارون .

ذكرى شيعة في احكام الشريعة - شهيد اول - ج 2 ، ص 56 و 57 ، باب البحث الرابع : النياحة .

بجز ابن ادريس حلي تمامي علمای شيعة گريبان چاك زدن را در مرگ پدر و برادر جايز مي دانند زيرا امام حسن عسكري در شهادت امام هادي عليها السلام گريبان چاك زد و بانوان حرم حسيني نيز در شهادت حسين عليه السلام گريبان چاك زدند

... خالد بن سدیر می گوید : از امام صادق علیه السلام ( در مورد مردی که در مرگ پدر ، مادر ، برادر ، و یا یکی از نزدیکانش لباس خود را پاره کند ( گریبان چاک بزند ) ) پرسیدم ، حضرت فرمود : گریبان چاک زدن اشکالی ندارد ، همانا موسی بن عمران در وفات برادرش هارون گریبان چاک زد .

شق الثوب علي غير الأب والأخ من الأقارب وغيرهم لما فيه من إضاعة المال والسخط بقضاء الله وعلي استثناء الأب والأخ أكثر الأصحاب لان العسكري عليه السلام شق ثوبه علي أبيه الهادي عليه السلام خلف وقدام وفعله الفاطميات علي الحسين عليه السلام وعن الصادق عليه السلام إن موسي عليه السلام شق علي أخيه هارون ...  
**روض الجنان - شهيد ثاني - ص 320 و 321 ، باب نبش القبر .**

شهيد ثاني می فرماید : بجز در مرگ پدر و برادر ، گریبان چاک زدن در مرگ دیگر نزدیکان حرام است زیرا که موجب از بین رفتن مال ( اسراف ) و ناخشنودی ( و اعتراض ) به قضای الهی است . و بیشتر علمای شیعه گریبان چاک زدن را در مرگ پدر و برادر استثناء کرده اند زیرا امام حسن عسکری علیه السلام در شهادت پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام گریبانش را از جلو و پشت سر چاک زد و بانوان حرم حسینی نیز در مصیبت امام حسین علیه السلام گریبان چاک زدند و از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود : همانا موسی بن عمران در وفات برادرش هارون گریبان چاک زد .

وأما الاستثناء ، فدليلة ما استفيض في الأخبار من فعل أبي محمد الحسن عليه السلام علي أبيه الهادي عليه السلام ، وفي بعضها تعليل بأن موسي شق ثوبه علي هارون ، ولما نقل من فعل الفاطميات علي الحسين عليه السلام .  
**غنائم الأيام - ميرزاي قمي - ج 3 ، ص 556 و 557 ، باب شق الثوب علي الميت .**

دلیل علما بر استثنای گریبان چاک زدن در مرگ پدر و برادر روایات مستفیضی است که در مورد گریبان چاک زدن امام حسن عسکری علیه السلام در شهادت امام هادی علیه السلام و گریبان چاک زدن حضرت موسی در وفات حضرت هارون علیهما السلام و گریبان چاک زدن بانوان حرم حسینی در مصیبت شهادت امام حسین علیه السلام ، به ما رسیده است .

## عزاداری سیره مسلمین

رابعا : سنت عزاداری بر مرگ عزیزان با صرف نظر از شیعیان ، در بین اکثر ملل جهان با هر گرایش دینی و مذهبی که داشته اند امری رایج بوده و هست که برای پرهیز از طولانی شدن در این مختصر از آن صرف نظر می کنیم ، ولی در میان مسلمانان اعم از شیعه و سنی طبق نقل ، در برخی از کتابها به این رسم رایج که جنبه عاطفی هم دارد اهمیت می داده اند .  
محدثین و مورخین نوشته اند ، زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در عزای ایشان به سینه و صورت می زدند ، و مسلمانان در عزای عبدالمؤمن و جوینی و ابن جوزی ( از علمای اهل سنت ) طبل می زدند و بازارها را تعطیل نموده و در بعضی موارد تا یک سال عزاداری نمودند .  
به این موارد توجه فرمائید :

## زنان پیامبر اولین طراحان سینه زنی

ابن هشام نقل می کند :

قال ابن اسحاق وحدثني يحيي بن عباد بن عبدالله بن الزبير عن أبيه عباد قال سمعت عائشة تقول . . . قمت ألتدم مع النساء وأضرب وجهي .

عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري المعافري أبو محمد ( متوفي 213 ) ، السيرة النبوية ج 6 ، ص 75 ، ح 26391 ، تحقيق : طه عبد الرؤوف سعد ، ناشر : دار الجيل - بيروت . - الطبعة : الأولى ، سال چاپ : 1411 ؛ ابن حنبل أبو عبدالله الشيباني ، احمد (متوفي 241) ، مسند ج 6 ، ص 274 ، ناشر : مؤسسة قرطبة - مصر ؛ البلاذري ، أحمد بن يحيي بن جابر (المتوفي : 279هـ) ، أنساب الأشراف ج 1 ص 243 ؛ مسند أبي يعلي ، اسم المؤلف: أبو يعلي الموصلي

التميمي ، أحمد بن علي بن المثنى ( متوفي 307 ) ، مسند أبي يعلي ج 8 ، ص63 ، تحقيق : حسين سليم أسد ، ناشر : دار المأمون للتراث - دمشق - ، الطبعة : الأولى ، 1404 - 1984 ؛ الطبري ، أبي جعفر محمد بن جرير ، متوفي 310 ، تاريخ الأمم و الملوك ج 2 ، ص 232 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت .

... عايشه مي گوید : ( زماني که پیامبر خدا از دنیا رفت ) من به همراه بقيه زنان پیامبر سينه مي زديم و من به صورتم مي زدم .

ابن منظور در ترجمه واژه « لدم » مي نويسد :

لدم : اللدم ضرب المرأة صدرها . . . و التدام النساء : ضربهن صدورهن ووجههن في النياحة .

ابن منظور ، محمد بن مكرم بن منظور الأفرقي المصري (متوفي 711 ) ، لسان العرب ج12، ص 539 ، ناشر : دار صادر - بيروت ، الطبعة : الأولى .

لدم : به معنای به سينه زدن زن مي باشد . . . و التدام زنان : به معنای به سينه و صورت زدن زنان در مصيبت است .

صالحی شامي در ذیل حديث عائشه مي نويسد :

وهذا الحديث تفرد به ابن إسحاق ، وهو حسن الحديث إذا صرع بالتحديث ، وقد صرح به فقال : حدثني يحيي بن عباد بن عبد

الله بن الزبير عن أبيه قال : سمعت عائشة إلخ .

الصالحی الشامي (متوفي 942) ، سبل الهدى و الرشاد ج12، ص 267، تحقيق و تعليق : الشيخ عادل أحمد عبد الموجود ، الشيخ علي محمد معوض ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان ، چاپ : الأولى ، سال چاپ : 1414 - 1993 م .

این حديث را فقط ابن اسحاق نقل کرده است ، و زماني که ابن اسحاق تصريح به شنیدن حديث کند ، حديثش حسن و قابل اعتماد است . وي در این حديث مي گوید : از يحيي بن عباد بن عبد الله بن الزبير شنيدم که از پدرش نقل مي نمود که وي از عايشه شنیده است . . .

ابن تيميه در مورد ابن اسحاق مي گوید :

وبن إسحاق اذا قال حدثني فحديثه صحيح عند أهل الحديث .

ابن تيمية الحراني ، احمد بن عبد الحلیم أبو العباس ، ( الوفاة : 728 ) ، كتب و رسائل و فتاوي ابن تيميه في الفقه ، جزء 33 ، ص 86 ، تحقيق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي ، ناشر : مكتبة ابن تيمية ، الطبعة : الثانية ؛ ابن تيمية الحراني ، تقي الدين أحمد عبد الحلیم أبو العباس ( متوفي 728 ) ، الفتاوي الكبرى ج3 ، ص 23 ، تحقيق : قدم له حسنين محمد مخلوف ، ناشر : دار المعرفة - بيروت .

وقتي که ابن اسحاق تصريح به شنیدن حديث کند ، نزد علمای حديث ، حديثش صحيح و مورد اعتماد است .

## اقامه عزاء براي عبد المؤمن بن خلف

ذهبي در ترجمه وي مي گوید :

الإمام الحافظ القدوة . . . قال جعفر المستغفري : أخبرنا أبو جعفر محمد بن علي النسفي ، قال : شهدت جنازة الشيخ أبي يعلي بالمصلي ، فغشيتنا أصوات طبول مثل ما يكون من العساكر ، حتي ظن جمعنا أن جيشا قد قدم ، فكنا نقول : ليتنا صلينا علي الشيخ قبل أن يغشانا هذا . فلما اجتمع الناس وقاموا للصلاة [ وأنصتوا ] ، هداً الصوت كأن لم يكن . . .

سير اعلام النبلاء ج 15 ، ص 480 و 481 و 482 ؛ تاريخ مدينة دمشق ، ابن عساكر ، ج 10 ، ص 272 .

«در تشييع جنازه عبدالمؤمن شرکت جستم ، صداي طبل و دهل آن چنان گوش خراش بود که گویا لشكري به شهر بغداد يورش برده است . این مراسم ادامه داشت تا آن که مردم براي برپايي نماز ميت آماده شدند.»

## اقامه عزاء براي جويني ( المتوفي 478 )

ذهبي از درگذشت جويني و مراسم سوگواري او چنين ياد مي کند :

الإمام الكبير ، شيخ الشافعية ، إمام الحرمين - إلي أن قال : - توفي في الخامس والعشرين من ربيع الآخر ، سنة ثمان وسبعين

وَأربع مئة ، ودفن في داره ، ثم نقل بعد سنين إلي مقبرة الحسين ، فدفن بجنب والده ، وكسروا منبره ، وغلقت الأسواق ، ورثي بقصائد ، وكان له نحو من أربع مائة تلميذ ، كسروا محابرهم وأقلامهم ، وأقاموا حولا ، ووضعت المناديل عن الرؤوس عاما ، بحيث ما اجتراً أحد علي ستر رأسه ، وكانت الطلبة يطوفون في البلد نائحين عليه ، مبالغين في الصياح والجزع .  
سير أعلام النبلاء: ج 18 ، ص 468 و 476 ؛ المنتظم، ج 9، ص 20 .

«نخست او را در منزلش به خاک سپردند و آن گاه پیکرش را به مقبره الحسين (شاید کربلاي معلی) انتقال دادند. در ماتم او منبرش را شکستند، بازارها را تعطیل کردند و مرثیه های فراوانی در مصیبتش خواندند. او چهارصد شاگرد و طلبه داشت، آنان در سوگ استاد خویش، قلم و قلمدان های خود را شکستند و يك سال عزاداري نمودند و عمامه های خود را به مدت يك سال از سر برداشتند بدان حد که کسی جرات بر سر گذاشتن عمامه را نداشت. آنان در این مدت در سطح شهر به نوحه خوانی و مرثیه سرایی پرداختند و تا حد زیادی در عزای او فریاد و جزع فزع نمودند!»

## اقامه عزا برای ابن الجوزي (متوفي 597) در طول ماه رمضان

سبط بن جوزي در شب جمعه سیزدهم ماه رمضان فوت کرد. ذهبی درباره بازتاب مرگ او می نویسد:

أبو الفرج ابن الجوزي الشيخ الإمام العلامة الحافظ المفسر، شيخ الإسلام، مفخر العراق . . . وتوفي ليلة الجمعة بين العشاءين الثالث عشر من رمضان سنة سبع وتسعين وخمس مئة في داره بقطفنا . وحكت لي أمي أنها سمعته يقول قبل موته : أيش أعمل بطواويس ؟ يرددها ، قد جبتم لي هذه الطواويس .

وحضر غسله شيخنا ابن سكيّنة وقت السحر ، وغلقت الأسواق ، وجاء الخلق ، وصلي عليه ابنه أبو القاسم علي اتفاقا ، لان الأعيان لم يقدرُوا من الوصول إليه ، ثم ذهبوا به إلي جامع المنصور ، فصلوا عليه ، وضاق بالناس ، وكان يوما مشهودا ، فلم يصل إلي حفرته بمقبرة أحمد إلي وقت صلاة الجمعة ، وكان في تموز ، وأفطر خلق ، ورموا نفوسهم في الماء . إلي أن قال : وما وصل إلي حفرته من الكفن إلا قليل ، كذا قال ، والعهدة عليه. وأنزل في الحفرة ، والمؤذن يقول الله أكبر ، وحزن عليه الخلق ، وباتوا عند قبره طول شهر رمضان يختمون الختمات ، بالشمع والقناديل و اصبحنا يوم السبت عملنا العزاء و تكلمت فيه و حضر خلق عظيم و عملت فيه المراثي .

سير أعلام النبلاء: ج 21، ص 365 و 379.

«... با درگذشت او، بازارها تعطیل گردید و جمعیت زیادی در مراسم او حضور یافتند، فراوانی مردم و فزونی گرما سبب شد که بسیاری از سوگواران روزه خویش را خوردند!، بعضی خود را به دجله انداختند... از کفن اندکی ماند... مردم تا پایان ماه رمضان در کنار قبر او شب را به صبح رساندند، آنان شمع و چراغ و قندیل آوردند و قرآن را ختم کردند. مراسم عزاداری را روز شنبه برپا کردیم، سخنرانان درباره او به سخن پرداختند، جمعیت بسیاری شرکت جستند و درباره او مرثیه ها گفته شد.»

بنابراین همان طوری که ذکر شد وقتی علمای شیعه و سنی عزاداری را تا به این حد آن هم برای علما جایز می دانند ، گریبان چاک زدن و عزاداری برای سید جوانان بهشت نه تنها با شأن حریم حسینی منافات ندارد بلکه امری جایز و مطلوب می باشد .

**موفق باشید**

**گروه پاسخ به شبهات**

**مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)**